

عوامل خیانت در زناشوئی

بیانید این عوامل را بررسی کرده و به مقابله با آنها برخیزیم

در خیانت زن و شوهر بهمدیگر، تنها لذت‌های زودگذر مطرح نیست بلکه فساد و مسمومیت روح بیشتر مورد نظر است که چگونه مردی با داشتن همسر، و یا زنی با داشتن شوهر بدون مراعات اصول انسانی و شرعی و بدون ملاحظهٔ کودک‌های معصومی که باید از پدر و مادرشان درس عفت و نجابت و پاک‌ی و فضیلت را یاد بگیرند، انحراف اخلاقی پیدا کرده و تمام تمهیدات اخلاقی و اجتماعی و دینی را زیر پا گذازرده است؟

از آنجا که اصول اخلاقی و آداب نیک خانوادگی در میان خانواده‌ها بخصوص در خانواده‌های غربی و از آن بدتر غرب‌زده، رو با انحطاط گذارده است چه بسا در مطبوعات و سایر نوشته‌ها، آمارهای وحشتناکی در مورد خیانت زن و شوهر بهمدیگر می‌خوانیم که صد درصد حکایت از فقر اخلاقی در

اینگونه جوامع ماشینی می‌نماید. آمارهای که یکی از مؤسسات آمارگیری آمریکا تهیه کرده حاکی از اینست که در میان ۱۰۰۰۰۰ نفر زن و شوهر کمتر از ۴۰ سال که مؤسسه روی آنها مطالعه داشته از هر ۵۰ نفر مرد و از هر ۴۰ زن یک نفر یعنی نصف مردها و $\frac{1}{5}$ زن‌ها در زناشوئی خود خیانت کرده‌اند!

دائمی اگر این آمار صحیح باشد، بدقت تهیه شده باشد، دلیل بارزی بر سقوط مبانی اخلاقی و انحطاط اصول انسانی در جوامع غربی می‌باشد و بوضوح روشن می‌سازد که فساد تا چه اندازه در میان خانواده‌های غربی رسوخ کرده است و بیدار باشی است برای ممالک شرق که شتابان و کورکورانه دنبال آنان را گرفته و بدون مطالعه عواقب وخیم آن

از افعال و اعمال و افکار آنان تقلید می کنند تا کمی بخود آیند و جلو اختلاطها و بی بندوباری های بیشتر جنسی را بگیرند .

حال ممکن است برسید این همه زن و مرد چرا بهم دیگر خیانت کرده اند و چرا مردان بیش از زنان راه خیانت پیموده اند ؟

برای روشن شدن پاسخ این سؤال باید دید چه عواملی در انحراف مرد و زن از جاده عفت و پاکبازی تأثیر دارد ؟ عوامل گوناگونی در خیانت زن و شوهر بهم دیگر مؤثر است ، برخی از آنها - ادراک کمبود بعضی از صفات در مرد ، و عدم انجام وظایف و مسؤولیت های وجدانی و اخلاقی و شرعی ناشی می - گردد ، و پاره دیگر در اثر فقدان حس مسؤولیت در زن و عدم اقدام بوظائف خاص خویش پدید می آید . در اینجا مهمترین عوامل خیانت در زناشوئی را بطور اجمال ذکر کرده ، و سپس به بررسی مهمترین آنها ، جداگانه می پردازیم :

- ۱ - عدم محبت زن به شوهرش و مرد به همسرش .
- ۲ - وجود پارتی های مملو از فساد و بد آموزی های مطبوعات و سایر وسائل ارتباط جمعی ، مخصوصاً فیلم های سینما .
- ۳ - سرد مزاج بودن زن و عدم اقتناع خواسته های مرد و عدم آشنائی بر موز زناشوئی .
- ۴ - در بعضی از موارد اختلاف سن .
- ۵ - عدم دقت در انتخاب نخستین .
- ۶ - اختلاف سطح تحصیلی و اختلاف سطح فکر .
- ۷ - معاشرت های ناباب و ناجور خانوادگی .
- ۸ - بی سلیقتگی و نداشتن تربیت صحیح

خانوادگی .

۹ - دنباله روی زن و مرد از مد و تمدن ماشینی و برهنگی زنان .

۱۰ - کوچک شمردن شخصیت و تحقیر یکدیگر .

۱۱ - زیاده طلبی و نامتعادل بودن مرد و زن .

۱۲ - عدم رسیدگی زن بوضع لباس و قیافه و

آراستگی خود برای شوهرش .

۱۳ - عدم نظافت منزل و عدم مهارت زن در

آشپزی .

۱۴ - درک نکردن زن و مرد نیازهای روحی

همدیگر را .

۱۵ - تکبر و خود خواهی یکی از طرفین یا

هر دو .

عدم محبت زن نسبت بشوهرش

یکی از عوامل مهم انحراف مردان و خیانت آنها در زناشوئی ، عدم علاقه و محبت هر زنی نسبت بشوهرش می باشد .

باین ترتیب که بر زنان لازمست همواره در جلب رضایت شوهران خود بخاطر بقای کانسون گرم خانواده و ادامه زندگی شیرین زناشوئی بکوشند و وسایل معقول و مشرعی را که موجب جلب محبت شوهر می گردد خوب بررسی کرده و بکار بندند محیط خانواده را با صفا و پراز مهر و عاطفه گرمی ساخته شوهران خود را بمحیط منزل و خانواده راغب تر سازند .

اینطور نیست که جلب رضایت مردان بسیار مشکل باشد بلکه می توان با یک جمله محبت آمیز و بایک عمل

آمیخته به محبت و یا بایک مختصر رسیدگی بسرووضع خود و بالاخره بایک فداکاری سهل و ساده ولی عمیق و بی گیر حس محبت مردان را تحریک کرد و آنان را دائماً در حال نشاط نگاهداشت ،

یکی از مردان علت خیانت خود را بهمسرش اینگونه بیان می کند : من می توانستم با همسرم خوشبخت باشم چون او را دوست می داشتم ، ولی هرگز آنچه را که بیشتر از همه در ازدواج ، خواهان آن بودم در او نیافتم و آن محبت و رضایت و قدر شناسی بود ، و به عکس آنچه گفته اند : « زن خوشحال و راضی ، از یک میلیون ثروت برای مرد گرانبها تر است ، زن من هرگز در زندگی از هیچ چیز راضی نبوده و بیش از هر چیز عادت به نق زدن و بدخلقی داشت .

مقصود اساسی از ازدواج رفع نیازهای روحی و جسمی انسانی است که عبارت اند از آسایش و محبت و تملق داشتن زن بمرده زن وارضای طبیعی نیروی جنسی می باشد ، اگر ازدواج این احتیاجات انسانی را مرتفع نکند باخود خوشبختی نیاورده دوام نمی نماید .

این اصل درباره محبت مردان نسبت به زنان نیز کاملاً صادق است و باید رعایت گردد .

برای بوجود آوردن يك كانون گرم و خوشبخت خانواده ، مرد وزن بایستی توافق و محبت قلبی متقابل داشته باشند تا از سعادت تشکیل خانواده برخوردار گردند .

(۱) نقل از مطبوعات .

زنهای طالب سعادت باید باین نکته مهم توجه کنند که ثروت هنگفت شوهر و داشتن اتومبیل آخرین سیستم ، و خانه های مجلل و مدرن و سایر تجملات زندگی هرگز نمی تواند سعادت و خوشبختی بیافریند .

در اینجا بهتر است اعتراف يك زن ناکام و ناشاد در مورد صمیمیت و دلگرمی و محبت در محیط خانواده را برای خوانندگان محترم نقل کنیم :
دوازده خدمتکار ، دو اتومبیل ، نیم میلیون تومان جواهرات ، يك خانه بهشتی بایک شوهر میلیونر ... هیچ کدام از اینها مرا خوشبخت نکرده است ... من ثروت و تجملات را دلیل خوشبختی کسی نمی دانم و بنظرم يك زندگی پاک ، ساده و يك خانواده مهربان و یگانه و با صمیمیت ولو کم پول و کوچک ، هزار بار بهتر از غلتیدن در رودخانه عفن ثروت و زندگی عاری از انسانیت است ! ... « (۱)

دستورهای اسلام در مورد محبت دو همسر بیسکدیگر :

اسلام همانطور که محبت شوهر بهمسر خود را در بقاء و استحکام خانواده امری ضروری میدانند محبت زن را نسبت بشوهر خود نیز امری لازم قرار داده است .

ولذا آشنائی زن بمروز شوهر داری و جلب رضایت او را بمنزله جهاد در راه خدای دانند .
امام صادق (ع) فرمود : « جهاد المرأة حسن

التبعل (۱) : جهاد زن، خوب شوهر داری کردن است، یعنی همانطوریکه فداکاری و جان‌بازی مرد در میدان جنگ و گذشتن از جان خود برای اعتلاء و تقویت اسلام و جامعهٔ مسلمین مؤثر است توجه زن به اصول شوهرداری و ادارهٔ مرد بنحو کامل و محبت باو نیز در بقاء و سعادت خانواده و در نتیجه حفظ ثبات جامعهٔ مسلمین همین اثر را دارد، و این دربارهٔ مردان نیز صادق است مخصوصاً در مواردی که یکی از دو طرف بعللی در انجام وظایف خود کوتاهی می‌کنند اگر فداکاری طرف مقابل نباشد به زودی کانون خانوادگی متلاشی می‌گردد. راستی در این هنگام سازش با چنین همسری فداکاری و جهاد در راه خدا است، شاید بهمین جهت میباشد که در حدیث از آن، بجهاد تعبیر آورده شده است.

خداوند از زنی که همواره اسباب ناراحتی شوهر خود را فراهم آورد راضی نبوده عبادات او را هرگز قبول نمی‌کند.
در حدیثی وارد است :
امام صادق (ع) فرمود : «ایما امرأة بانث وزوجها علیها ساخط فی حق لم یتقبل منها صلوٰة حتی یرضی عنها» (۲) یعنی هر زنی که شب تا صبح عبادت کند در حالیکه شوهرش از او بی‌حق ناراضی باشد عبادت او نزد خداوند مقبول نیست مگر اینکه شوهرش از وی رضایت داده باشد.
برخی از مردان و زنان شاید متوجه نباشند که چگونه بایک سخن رکیک و غیر مناسب به همسر خود و یا با بی‌اعتنائی و غضب در برابر او خانواده خود را در لب پرتگاه نابودی قرار داده، تمام اعمال عبادی خود را از ارزش می‌اندازند،

خَاطِبُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِتِمَّ مَعَهَا بَكَوْا
عَلَيْكُمْ وَإِنْ عَشْتُمْ حَنَوْا إِلَيْكُمْ .

با مردم طوری معاشرت کنید که تا زنده اید
شما را دوست بدانند و بشما رو آورند و چون از دنیا
رفتید، بر شما گریه کنند.
پیامبر اسلام

(۱) وسائل الشیعه ج ۷ ص ۱۱۴ باب ۸۱ .

(۲) وسائل الشیعه ج ۷ باب «انه یحرم علی کل من الزوجین ان تؤذی الاخر بغير حق»